

ذخایر انقلاب

(عشایر از دیدگاه امام و رهبری)

گردآوری: سیده محبوبه موسوی (قوام آباد علیا)

انتشارات زیتون سبز

سرشناسه: موسوی قوام آباد علیا، محبوبه، ۱۳۶۴ - گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور: ذخایر انقلاب: عشایر از دیدگاه امام و رهبری / گردآوری سیده محبوبه موسوی (قوام آباد علیا):

مشخصات نشر: تهران، زیتون سبز، ۱۳۹۱

مشخصات ظاهری: ۶۴ ص

شابک: ۲۵۰۰۰ ریال: ۱-۱۶-۶۴۳۸-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

عنوان دیگر: عشایر از دیدگاه امام و رهبری.

موضوع: عشایر، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹-۱۳۶۸ - نظریه

در باره ایالات و عشایر

موضوع: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - - نظریه درباره ایلات و عشایر

موضوع: عشایر، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹-۱۳۶۸ - پیام‌ها

و سخنرانی‌ها

موضوع: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - - پیام‌ها و سخنرانی‌ها

موضوع: ایلات و عشایر

شناسه افزوده: ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان

کهگیلویه و بویراحمد

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱/۱۵۷۲/۹۵-۵/۸ DSR

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۳۲۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۴۷۰۶۱



انتشارات زیتون سبز

ذخایر انقلاب (عشایر از دیدگاه امام (ره) و رهبری)

گردآوری: سیده محبوبه موسوی (قوام آباد علیا)

صفحه‌آرا: مینا صفری

طراح جلد: فرود عباسی

شمارگان: ۱۲۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۱

لیتوگرافی: ماوراء

چاپ: قارابی

شابک: ۱-۱۶-۶۴۳۸-۶۰۰-۹۷۸

ناشر: انتشارات زیتون سبز

قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال

تهران، خیابان انقلاب، بین ویلا و حافظ، خیابان پورموسی، کوچه بامشاد، پلاک ۲، واحد ۱

کدپستی: ۱۵۹۹۶۱۷۷۱۱ تلفن: ۲۱-۸۸۹۶۸۸۲۰ دورنگار: ۸۸۹۳۳۶۵۲

مقدمه

عشایر اقوامی مسلمان، سخت کوش و سلحشور که همواره در تقویت جسم و تزکیه روح پیشقدم بوده و در بُعد جسمانی و فعالیت های ورزشی و ارانه بازی های گوناگون محلی در صحنه های مختلف هنری و روزمره جایگاه ویژه ای داشته و دارند. شایسته است فرهنگ و هنر های بومی و عشایری را به طرق مختلف حفظ نمود تا بتوان فرهنگ نوین امروزی را تقویت کرده، بیش از پیش غنی ساخت.

شیوه زندگی عشایری معنی بر کوچ یکی از کهن ترین اشکال اجتماعی است که از دیر باز با شکل گیری زندگی اجتماعی انسان ها و اهلی کردن حیوانات آغاز و با فرار و فرودهای تاریخی تا به امروز ادامه پیدا کرده است.

جامعه عشایری ایران با پیشینه ای چندین هزار ساله در تحولات کشور همواره نقش اساسی ایفا کرده اند و تا اوایل حکومت رضا شاه در ارکان تصمیم گیری و اداره امور حضوری فعال و چه بسا نقش حاکمیتی داشته اند. نوع نگاه به شیوه زندگی کوچندگی و عشایر با آغاز عصر تجدد و نوگرایی در عهد زمان رضا شاه پهلوی دگرگون شد.

باید به تاریخ پناه برد و دید که عشایر ایران عموماً با روحیه قوی ملی گرایی ایرانی همواره از مرزها و کیان میهن پاسداری نموده اند و زاگرس نشینان چون دیگر ایلات ایران همواره چون رستمی بوده اند که در سالهای پر حادثه تاریخ ایران به داد کی کاوس های زمانه رسیده اند. دوران پهلوی عصری تاریک و سیاه برای عشایر است. سیاست رضا شاه در تخته قابو کردن و اسکان عشایر لطمات جبران ناپذیری بر ساختار این بخش عظیم وارد آورد و به این طیف از جامعه ایران با سوء نیت نگریسته شد و جهت گیری سیاسی بر آن شد تا به هر نحو ممکن

این بخش از جامعه ملی مهار شده، حذف گردد و بدون برنامه در سایر جوامع ادغام شود. و تا پایان حکومت پهلوی همواره از عشایر به چشم تهدید نگریسته می‌شد. با پیروزی انقلاب ۱۳۵۷، در دهه اول عشایر تا حدودی مورد توجه قرار گرفت و مجدداً وارد نظام برنامه ریزی شد. پس از یک سلسه همایش ملی و بین المللی موضوع اسکان عشایر برای اولین بار در برنامه دوم توسعه مشروعت قانونی پیدا نمود و شاید بدون آنکه سال‌ها کارهای مناسب برای اسکان تنظیم و ظرفیت سازی شود خود موضوع بیش از حد بزرگنمایی شد و انتظار عجولانه برای تبدیل چادر به چار دیواری که هیچ نسبتی با روحیات مردم عشایر نداشت و یکجانشین شدن خانواده‌های که چنده ابهامات را بیشتر نمود.

پس از تأملی در حواله عشایر جنوب به خصوص قشقایی، کهگیلویه و بویراحمد، ممسنی و بختیاری خواهیم فهمید:

دام‌ها همه مضطرب و عشایر بیم شده‌اند و به نام یکجانشینی و اسکان، مرتع‌ها، باغ‌ها، شهر گشته‌اند و به یغما می‌روند. مردهای عشایر خسته‌تر از دام‌هایشان‌اند. ایل‌ها تخریب شده‌اند و در جاده‌ها عزرائیل دو شیفت، دام‌ها را جان می‌ستانند. وجب به وجب جاده‌ها، در مسیر ییلاق و قشلاق‌ها بوی خون و قتل و کشتار دام و جان عشایر می‌دهد. داغ دامی که عشایر در یک سرحد و گرمسیر از دست می‌دهد برابر با داغ و درد یک عمر مرفهین بی درد است. بارها شنیده‌ام که در مرگ و غارت مال و منوالشان در جاده ترانزیتی جنوب که ده متر هم نیست شبانی دچار سرگیجه و سوشون شده است و سالها یاد مرگ دانش را فراموش نکرده است.

چه بر سر این مردم آمده است؟

چه بر سر این مردم آمده است؟